

سعید حمید*

خاورشناس ورزیده

علی‌عسکر (علی‌اصغر) جانفدا در سال ۱۹۲۶ میلادی در آذربایجان ایران چشم به جهان گشود. پدر او طبق اسناد رسمی که خود در دوران حکومت شوروی قید نموده، کارگر بود که در شهر اهر، نزدیک اردبیل زندگی می‌کرده‌اند. دوران طفولیت و تحصیلات مقدماتی و میانه را در این شهر گذرانده است. از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۲ در زادگاهش به به عنوان خیاط کار می‌کند و بعداً از سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۳ به عنوان معلم مدرسه ابتدایی در شهر اهر تدریس کرده است. در سال ۱۹۴۲ میلادی عضو حزب «توده» می‌گردد که در آن زمان در ایران از جنبش‌های پیشرو به شمار می‌رفت. از سال ۱۹۴۳ تا سال ۱۹۴۶ در حزب «توده» به حیث حسابدار فعالیت کرده، در مبارزات ضد شاهنشاهی پهلوی شرکت می‌کرد. همین اشتراک در فعالیتهای ضدنظام نظام پهلوی و تبلیغ ساختار نوین سوسیالیستی و دفاع از قشر دهقان بود که در سال ۱۹۴۶ به جرم شورشی و معارضة با نظام شاهنشاهی بازداشت و تا سال ۱۹۴۸ در تبریز زندانی می‌شود. اما پس از آزادی از زندان، نه تنها فعالیتهای خود را متوقف نکرد، بلکه بر دایره آن افزود و از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹ به حیث کارگر حزبی، در «حزب توده ایران» ادای وظیفه نمود و پیوسته در فعالیت حزبی، متینگ‌ها و شورشهای مختلف بر ضد نظام شاهنشاهی در تهران و

* استاد دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان.

اطراف پایتخت اشتراک بی‌واسطه داشت و از این زمان تا وقتی که به شوروی فرار کرد، در تهران بوده است.

در همین سالهاست که به دلیل کسترش فعالیت‌های ضد شاهنشاهی، رضاشاه پهلوی که دست‌نشانده انگلیسی‌ها بود، فرمان بازداشت سران و اعضای «حزب توده ایران» را صادر می‌کند. در این جریان بسیاری از سران و اعضای حزب زندانی و اعدام می‌شوند و گروهی نیز موفق به فرار می‌گردند.

علی‌عسکر جانفدا و گروهی از هم‌قطاران حزبی وی از جمله گروهی بودند که تصمیم به فرار و جلای وطن نموده، اتحاد شوروی را انتخاب می‌نمایند و ۱۲ اکتبر سال ۱۹۴۹ میلادی از شهر چهارجوی در مرز ایران و ترکمنستان شوروی گذشته، وارد خاک شوروی می‌گردند. از این سال تا ۱۴ می ۱۹۵۱ میلادی به عنوان پناهنده سیاسی در شهر چهارجوی جمهوری ترکمنستان زیر نظارت کارگران حزب کمونیست شوروی اقامت می‌کند که مدتی بعد در همان سال به پایتخت جوان تاجیکستان شوروی، شهر دوشنبه می‌فرستند. جانفدا در دوشنبه در ابتدا شغل حرفه‌ای خود، دوزندگی را در یک کارگاه خیاطی آغاز می‌کند. سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۴ میلادی به آموزشگاه حزب کمونیست شهر دوشنبه رفته، پس از ختم آن عضو حزب کمونیست تاجیکستان می‌شود. در سال ۱۹۵۴ به دانشکده تاریخ، زبان و ادبیات تاجیکی دانشکده دولتی آموزگاری شفچنکو (اکنون دانشگاه صدرالدین عینی) تاجیکستان راه می‌یابد و در سال ۱۹۵۹ با موفقیت آن را ختم می‌کند. پس از ختم دانشکده نامبرده به حیث کارمند آزمایشگاه در پژوهشگاه شرق‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان کار و فعالیت نموده است و این شخص تا درجه متخصص علمی بزرگ پژوهشگاه نامبرده، رسیده است.

در سال ۱۹۶۸ جانفدا از رساله نامزدی علم‌های فیلولوژی خود با عنوان

«عبدالرحمان تمک شاعر عصر ۱۹ بخارا» با استاد راهنمای خود آکادمیک عبدالغنی میرزایف باموفقیت دفاع نمود. هنگام کار در پژوهشگاه شرق‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان چهارده کار علمی را همراه کارمندان این درگاه آکادمیک ع. میرزایف، پروفیسور ا. افصحزاد، ظاهر احراری، ا. علی‌مردان‌اف، ا. دیوان‌قل‌اف، ع. ظهورالدین‌اف، ع. محمدی خراسانی، ن. قهاراوا، م. ممیداوا و غیره، به پایان رسانیده است. فهرستی از آثار مستقل علی‌عسکر جانفدا و آثار اشتراکی او با دیگر همکارانش بدین قرار است:

۱. «تحفة الاحرار» مولانا عبدالرحمان جامی، با هم‌قلمی ع. ظهورالدین‌اف، ج. ۳، «عرفان»، دوشنبه، ۱۹۶۴.
۲. «سبحة الاحرار» مولانا عبدالرحمان جامی، با هم‌قلمی ع. ظهورالدین‌اف، ج. ۳، «عرفان»، دوشنبه، ۱۹۶۴.
۳. «عبدالرحمان تمکین و اشعار او» مجموعه مقاله‌ها. «دانش». دوشنبه، ۱۹۶۸.
۴. یکی از اثرهای دیدتیوی تمکین. مجله «مکتب ساویتی»، ش ۳. دوشنبه، ۱۹۶۳.
۵. نمونه‌های اشعار عصمت بخارایی. در تذکره «گلشن ادب». ج. ۳، «عرفان». دوشنبه، ۱۹۷۶.
۶. نمونه‌های اشعار تمکین با مقدمه. «دانش». دوشنبه، ۱۹۷۶.
۷. متن انتقادی «تذکره الشعراء»ی محترم. «دانش». دوشنبه، ۱۹۷۵.
۸. جامعه‌های ادبیات در بخارای عصر ۱۹. مجله «مکتب ساویتی». ش ۷. دوشنبه، ۱۹۷۴.
۹. نمونه‌های اشعار تمکین. مجله «صدای شرق» ش ۵. دوشنبه، ۱۹۶۸.
۱۰. «مطلع الانوار» امیر خسرو دهلوی. تذکره «کلیات». ج. ۱. «عرفان» دوشنبه، ۱۹۷۱.
۱۱. یکی از اثرهای پرقیمت تمکین با هم‌قلمی ب. سیروس. «دانش».

دوشنبه، ۱۹۷۷.

۱۲. نقش زن (آبرز) در ایجادیات امیر خسرو. «دانش». دوشنبه، ۱۹۷۹.

۱۳. «تذکره واضح» «دانش» دوشنبه، ۱۹۷۷.

۱۴. «شرفنامه»ی نظامی را با همراهی ع. دیوان قل اف.

وی همچنین به صورت دستنویس اثرهای ذیل ادبیات فارسی تاجیکی را آماده نموده بود که متأسفانه تاکنون نشر نشده‌اند:

۱. «دارابنامه»ی طرسوسی،

۲. «اشعار پراکنده شعرای عصرهای ۱۸-۱۹ تاجیک».

۳. متن انتقادی «نشر عشق» حسین قلی خان عظیم آبادی.

۴. تذکره الشعرا»ی عبدی بخارایی.

۵. «تحفه الاسرار» جنگی

و چند دیگر که در شعبه دستخطهای پژوهشگاه شرق شناس نگهداری می‌شوند.

حکومت تاجیکستان خدمات علی‌عسکر جانفدا را به نظر گرفته، او را با چهار نشان و مدال «۱۰۰ سالگی روز تولد و.ا. لنین»، «همکار محنت»: برای با موفقیت اشتراک نمودن در کارهای انقلابی ایران و نشانه سرسینگی « ۲۱ هزاره»، آیین نگارش دیوان ریاست آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تاجیکستان و آیین نگارش حزب کمونیست تاجیکستان مفتخر گردید.

عسکر جانفدا در همین جا تشکیل خانواده می‌دهد. همسرش آنا النینچینه، از روس تباران تاجیکستان، زنی بسیار مهربان، مهماندوست، صبور، بافضیلت و داننده خوب ادبیات جهانی و روسی بود که در تربیت فرزندان شایسته نقش مؤثری داشت. پسر بزرگ استاد جانفدا، سیروس و پسر دوم آنان تیمور نام داشت. پس از جنگهای داخلی سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ تاجیکستان، پسران جانفدا ترک وطن نموده، سیروس به امریکا و پسر

کوچک آنها تیمور به روسیه کوچ کردند. پس از جنگ شهروندی در تاجیکستان وضع اقتصادی رو به تنزل نهاد و تقریباً همه روشنفکران فقیر گشتند. روزگار استاد جانفدا نیز از این وضعیت مستثنا نبود. به اصرار مکرر پسر کوچکش تیمور، جانفدا و همسرش آنا که هیچ رغبتی به ترک وطن نداشتند، سرانجام مجبور به ترک تاجیکستان و اقامت در روسیه شدند. گویی دوری از زبان مادری و وطن دوم (به گفته خودش) را نتوانست تحمل کند که بعد از بیماری و بستری شدن، سال ۲۰۰۱ میلادی دیده از جهان فرو بست. استاد جانفدا را امروز همه در کارگاه سابقش به نیکی یاد می‌کنند. مخصوصاً استاد امریزدان علی‌مردان‌اف و ظاهر احراری که تا واپسین دقایق زندگی جانفدا پیوسته از راه دور با او در تماس بودند. جانفدا از ما رفت، اما یادش همواره در خاطر ما باقی است.